

تحلیل و نقد استدلال‌های سلفیان دربارهٔ زیارت قبور با تأکید بر اندیشه‌های ابن تیمیه

حمزه علی بهرامی*

استادیار معارف اسلامی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۴/۲۸)

چکیده

یکی از باورهای مهم در میان مسلمانان، به‌ویژه شیعیان، زیارت و توسل به قبور، خاصه قبور انبیا و اولیاست. این اعتقاد موجب شکل‌گیری مسافرت‌های فردی و جمعی به صورت پیاده و سواره برای دعا و طلب حوایج نزد این مقابر شده است. سلفیان تکفیری با بدعت دانستن زیارت قبور و سفر برای آن، به تخریب مقابر انبیا و اولیا و نیز تکفیر زائران و کشتار آن‌ها می‌پردازند. مقاله پیش رو با هدف بررسی اصالت فتواها و استدلال‌های برجسته‌ترین و تأثیرگذارترین چهره‌های این فرقه، یعنی ابن تیمیه، در سه بخش دیدگاه «ابن تیمیه»، «ادله ابن تیمیه» و «ارزیابی آن‌ها» شکل گرفته است. در این مقاله، با روشی اسنادی - تحلیلی به جمع‌آوری ادله و مستندات ابن تیمیه پرداخته می‌شود. سپس با ارزیابی و تحلیل این ادله و آشکار کردن تناقض آن‌ها با ادله قرآنی و روایی، بی‌پایه و اساس بودن عقیده ابن تیمیه و سلفیان ثابت می‌شود و در پایان به این نتیجه می‌رسیم که ادله فراوانی از قرآن، سنت و اجماع مسلمین بر مشروعیت زیارت قبور و سفر برای آن وجود دارد و دیدگاه ابن تیمیه و پیروان او مستند شرعی ندارد و مخالف کتاب، سنت و سیره هست.

واژگان کلیدی: ابن تیمیه، زیارت قبور، شد رحال، سلفیان، تکفیر.

* E-mail: Bahrame1918@gmail.com

مقدمه

امروزه جامعه جهانی، خاصه منطقه خاورمیانه شاهد خشن‌ترین و جنایت‌بارترین حوادث بشری به دست گروه‌هایی با نام‌هایی نظیر وهابیت، القاعده، طالبان، داعش و... است. این گروه‌ها با تحریف واژه «سلف» و با یدک کشیدن آن، در موارد اختلاف با دیگر مذاهب اسلامی، به تکفیر دیگر مذاهب اسلامی، به‌ویژه شیعه، در حوزه‌های مختلف احکام دینی و فقهی فتوا می‌دهند. این گروه‌ها شعار خود را بازگشت به سلف قرار داده‌اند و چنین وانمود می‌کنند که اعتقادات سایر مسلمانان، به‌ویژه شیعیان، از جمله زیارت و تبرک به قبور اولیا و سفر برای آن از انحراف‌هایی است که بعدها در اسلام راه یافته‌است. بنابراین، بررسی ریشه‌های اعتقادی این جریان می‌تواند در نشان دادن ماهیت و چهره اصلی آن‌ها مؤثر باشد.

در این مقاله، قصد داریم به مشروعیت یکی از مهم‌ترین اعتقادات مسلمانان، خاصه شیعیان، یعنی زیارت قبور انبیا و اولیا، تبرک به قبور آن‌ها و دعا و استغاثه در مقابر آن‌ها پردازیم. ابن تیمیه و پیروان او این مسئله را بدعت و در برخی موارد نیز شرک می‌دانند. بر اساس همین اعتقاد، وهابیون به تخریب مقابر اولیای دین، از جمله قبرستان بقیع و حرمین عسکرین و سایر مقابر بزرگان دین پرداخته‌اند. هر ساله مسلمانان و شیعیان برای بزرگداشت اولیای دین، دعا، تبرک و توسل به آن‌ها به صورت‌های انفرادی و دسته‌جمعی به این مکان‌های مقدس مسافرت می‌کنند و گردهمایی‌های عظیم میلیونی نظیر اربعین را خلق می‌کنند. متأسفانه تکفیری‌ها با حمله‌های تروریستی خود، ضمن شهادت این زائران به روش‌های متعدد، مانند ماهواره‌ها، مراسم حج، نگارش کتاب‌ها و مقاله‌های فراوان و... عقاید مسلمانان و شیعیان را به سخره می‌گیرند و آن‌ها را بدعت می‌انگارند. بسیاری از زائران خانه خدا و مسجدالنبی شاهد این ماجرا بوده‌اند که وهابیون با گماشتن مبلغان خود در قبرستان بقیع به زبان‌های مختلف زائران، زیارت قبور امامان بقیع را شرک تلقی می‌کنند. وهابیون در سایه قدرت اقتصادی، مالی و رسانه‌ای، خود را نماینده جامعه اهل سنت می‌دانند و تنها خود را فرقه ناجی و دیگران را مشرک می‌پندارند. متأسفانه برخی از ناآگاهان به آن‌ها پیوسته‌اند و در خدمت منافع تروریستی آن‌ها قرار گرفته‌اند.

بنا بر آنچه گفته شد، ضرورت بررسی عقاید این گروه و شناخت عمیق علمی از آنها انکارناپذیر است. با این بیان مسئله اصلی، در باب فتاوی ابن تیمیه این پرسش‌ها را می‌توان مطرح کرد:

- ۱- آیا ابن تیمیه دلیلی هم دارد؟
 - ۲- آیا عقیده تکفیریان به رهبری ابن تیمیه مطابق عقیده عموم اهل سنت هست؟
 - ۳- آیا زیارت قبور انبیا و اولیای دین، تبرک به قبور آنها و نیز دعا و استغاثه نزد قبور آنها واقعاً شرک محسوب می‌شود؟
 - ۴- آیا ادله‌ای از کتاب، سنت و سیره برای جواز این مسئله وجود دارد؟
 - ۵- آیا سلفی‌ها، تکفیریان و پیروان ابن تیمیه می‌توانند خود را نماینده اهل تسنن معرفی کنند؟
 - ۶- آیا جامعه اهل سنت و فقیهان مذاهب اربعه با مشرب آنان درباره زیارت قبور، دعا و عبادت در مقابر هم‌داستان هستند؟
- بررسی استدلال‌های ابن تیمیه و مقایسه آن با دیدگاه‌های فرق اهل سنت می‌تواند نشان دهد که فتاوی او تا چه حد متقن است. مقاله پیش رو در راستای پاسخگویی به سؤالات مطرح شده، با تفحص و بررسی کامل در منابع و آثار در این زمینه و با روشی اسنادی-تحلیلی در ساختار ذیل شکل گرفت. ابتدا دیدگاه و ادله ابن تیمیه توصیف، تحلیل و مورد اشاره و نقد قرار می‌گیرد. سپس ادله قرآنی، روایی مشروعیت و جواز زیارت قبور اولیا، تبرک و سفر به مقابر آنها برای دعا و نیز طلب حوائج مطرح و مورد تأیید سیره و اجماع مسلمین می‌شود. در فصل آخر، فتاوی مذاهب چهارگانه اهل سنت تأییدی دیگر بر جواز زیارت قبور خواهد بود. در پایان، مقاله به این نتیجه می‌رسد که دیدگاه ابن تیمیه و پیروان او منشاء قرآنی یا روایی ندارد و در تناقض آشکار با اعتقادات سیره و اجماع سایر مسلمانان است. ادله فراوانی دال بر جواز و مشروعیت زیارت قبور و سفر برای آن وجود دارد که تکفیری‌ها را در اثبات ادعای بدون دلیل خویش، با چالش جدی روبه‌رو می‌سازد. باشد که حقایق بر جویندگان راه حقیقت روشن و حجت بر آنان تمام گردد.

۲. ضرورت پژوهش

ممکن است پرسیده شود: مسئله زیارت قبور و سفر برای آن چه مشکلی را حل می‌کند و چه نتیجه و کارکردی دارد؟ در پاسخ می‌توان گفت این مسئله مزید بر اینکه کاوش و تحقیق در یک مسئله علمی و کلامی است، پاسخ به شبهاتی است که هر روزه رسانه‌های وهابی بر این مسئله وارد می‌کنند. همچنین، نظر به اینکه این مسئله یکی از مبانی فقهی و کلامی گروه‌های تکفیری و از پیامدهای آن، تخریب قبور متبرکه و کشتار زائران آن‌هاست، بحث درباره آن می‌تواند منجر به شناخت بهتر این گروه‌ها شود و راهکار مناسبی برای تعامل علمی و منطقی و نیز جلوگیری از خشونت آن‌ها باشد. شایسته ذکر است که تکفیری‌ها خود را نماینده جامعه اهل تسنن معرفی، و خود را تنها فرقه ناجی تلقی می‌کنند. مطالعاتی از این دست که فاصله عمیق اندیشه‌های آن‌ها با جامعه مسلمین، به‌ویژه اهل سنت را نشان دهد، ضرورت پژوهش حاضر را دوچندان می‌سازد.

اگر پرسیده شود که «وجه اختیار ابن تیمیه چیست؟»، این انتخاب از آن روست که اصلی‌ترین و تأثیرگذارترین نظریه پرداز تفکر وهابیت کسی جز ابن تیمیه حرّانی دمشقی نیست. منشاء تفکر وهابیون را باید در فتاوی او جستجو کرد. ابن تیمیه یکی از فقها و متکلمان حنبلی مذهب است که در قرن هفتم و هشتم زندگی می‌کرد. او در کتاب‌های *منهاج السنّة النبویة* و *الزیارة*، عقاید خاصی درباره زیارت قبور، تبرک به قبور انبیا و اولیا، توسل، شفاعت و تقدیس اولیا مطرح کرد که به زندانی شدن او نیز انجامید (ر.ک؛ مقاله هنری لائوست، بی‌تا، مدخل ابن تیمیه؛ ابوزهره ۱۳۸۴: ۳۴۶).

۳. پیشینه پژوهش

نظر به اینکه زیارت قبور مورد توافق و اجماع مسلمین است، ردّ پای این مسئله در اسلام برای اولین بار در قرآن و به تبع آن، در روایات پیامبر و اهل بیت^(ع) مطرح شده است. پس از آن، تقریباً همه فقها و متکلمان اسلامی فریقین بدان پرداخته‌اند. تا قرن هفتم هجری (عصر ظهور ابن تیمیه)، کسی از فقهای فریقین مسئله زیارت قبور و سفر برای آن را در بوتّه نقد قرار

نداده است تا اینکه با ظهور ابن تیمیه و نگارش کتاب مستقلی مانند *زیارت القبور*، مسئله فوق به یک موضوع چالش برانگیزی تبدیل شد. اگرچه افراد معدودی مانند ابن قیم، ابن کثیر و محمدبن عبدالوهاب به دفاع از عقیده ابن تیمیه پرداختند، ولی قاطبه مسلمین از فریقین با نگارش کتاب‌های متعدد به مقابله با اندیشه‌های افراطی ابن تیمیه پرداخته‌اند. از مهم‌ترین این دست تألیفات به کتب ذیل می‌توان اشاره کرد: *شفاء السقام فی زیارة خیر الأنام، السیف الصقیل فی الرد علی ابن زنجفیل اثر تقی الدین سبکی* (د. ۷۵۶ق.) و *وفاء الوفاء تألیف ابوالحسن سمهودی* (د. ۹۱۱ق.) و کتاب *دفع شبه من شبه و تمرّد اثر اَبی بکر الحصنی الدمشقی*. مؤلفان شیعه هم پایه پای اهل سنت به نقد تفکرات ابن تیمیه پرداختند که از مهم‌ترین این آثار می‌توان به *کشف الایرتیاب* از سید محسن امین و *آیین وهابیت* از آیت‌الله سبحانی و آثاری از آقای علی اصغر رضوانی اشاره نمود.

افزون بر آثار فوق، مقالاتی هم در این موضوع به نگارش درآمده‌اند که در شکل‌گیری این اثر همه آن‌ها به دقت مورد مطالعه قرار گرفته‌اند تا مبدا پژوهش حاضر دچار اُفت تکرار و موازی‌کاری شود. با تفحص کامل در کلیه مجلات مرتبط، تنها مقاله علمی-پژوهشی در این زمینه، مقاله‌ای با عنوان «زیارت قبور و دلایل عالمان شیعه بر مشروعیت آن»، نوشته مهدی فرمانیان و مجتبی صداقت یافت شد که در شماره ۴۱ فصلنامه *شیعه‌شناسی* چاپ شده است. اما افزون بر موارد فوق، مقالات دیگری در مجلات علمی تخصصی چاپ شده‌اند که از دید نگارنده غافل نمانده‌اند. مجله علمی *ترویجی سراج منیر* و ماهنامه علمی *تخصصی درس‌هایی از مکتب اسلام* نیز چندین مقاله با این موضوع به چاپ رسانده است. برای پرهیز از تکرار و موازی‌کاری همه مقالات فوق و آثار دیگر به دقت مطالعه شد. کاستی‌هایی که متوجه آثار فوق می‌شود، از قرار ذیل است.

برخی صرفاً در توصیف دیدگاه ابن تیمیه می‌باشند، برخی به نقد ابن تیمیه از منابع شیعه پرداخته است و برخی در نقد ابن تیمیه به ادله ضعیف و منابع دست‌چندم و غیرمعتبر استناد کرده‌اند. برخی صرفاً به دیدگاه اهل سنت در زیارت قبور پرداخته‌اند. برخی این مسئله را از دیدگاه وهابیت به مطالعه کشیده‌اند. برخی این مسئله را از زاویه دید علمای شیعه مورد بحث

گذاشته‌اند. برخی دچار افت ادبیات غیرپژوهشی و گاهی متعصبانه شده‌اند، برخی ساختار پژوهشی و علمی ندارند و موضوع بعضی نیز یا اعم و یا اخص از موضوع مقاله حاضر است. بنا بر آنچه گفته شد، مقاله‌ای یافت نشد که صرفاً به دیدگاه ابن تیمیه در مسئله زیارت قبور و آنگاه به تطبیق و تحلیل آن از منابع معتبر اهل سنت پرداخته باشد. بنابراین، مقاله حاضر از این نظر نوآوری خاصی دارد. از نوآوری‌های تحقیق پیش رو می‌توان این موارد را ذکر کرد: ۱- صرفاً به دیدگاه اصلی‌ترین نظریه پرداز سلفیان و وهابیون، یعنی ابن تیمیه می‌پردازد. ۲- صرفاً به یک موضوع واحد و مشخص، یعنی زیارت قبور می‌پردازد و از حاشیه‌پردازی، سطحی‌نگری و پرداختن به مسائل غیرمرتبط جداً خودداری می‌کند. ۳- نقد و تحلیل اندیشه ابن تیمیه صرفاً با نظر به منابع مورد توافق خود اهل سنت است. ۴- تبیین دیدگاه ابن تیمیه به دور از هر نوع تعصبی، صرفاً با نظر به منابع اصلی ایشان است. ۵- از جنبه‌های مثبت این تحقیق جامعیت آن است و سعی شده همه استدلال‌های ابن تیمیه در حدّ وسع گزارش و تحلیل شود.

۴. دیدگاه ابن تیمیه

در دیدگاه ابن تیمیه، زیارت قبور صحیح نیست. او همه احادیثی را که درباره مشروعیت زیارت قبور نقل شده، ضعیف و مردود می‌داند.^۱ ابن تیمیه با انکار برآورده شدن حوایج در زیارت قبر اولیا، این اعتقاد را شرک به خداوند می‌داند: «فَهَذَا أَمْرُ الْقُرْبَةِ فِيهِ شِرْكٌ بَرَبِّ الْعَالَمِينَ» (ابن تیمیه، ۲۰۰۵م، ج ۲۷: ۱۲۷). ابن تیمیه سفر برای زیارت قبور، حتی قبر پیامبر (ص) را حرام می‌داند. سفر به قصد زیارت کلیه مقامات منصوب به انبیا و صالحان، مشاعری مانند کوه طور، غار حراء، غار ثور و... در حکم زیارت قبور است. نذر برای زیارت چنین مکان‌هایی واجب‌الوفاء نیست. از نگاه او چنین سفری، سفر معصیت و مسافر باید نمازش را کامل به جای بیاورد. «ابن تیمیه، ۱۹۸۷م، ج ۲: ۴۲۴-۴۴۴ و همان، ۲۰۰۵ق، ج ۱: ۲۳۵؛ همان، ج ۴: ۵۲۰؛ همان، ج ۱۸: ۳۴۲ و همان، ج ۲۷: ۱۱۹ و ۲۶۷). چنان‌که از بیان ابن تیمیه برمی‌آید، سفر کردن به قصد زیارت قبری و دعا و عبادت در کنار قبر و نیز درخواست کمک از آن جایز نیست. ابن تیمیه زیارت قبور را منفعت رساندن زنده به صاحب قبر می‌داند، نه برعکس! (ر.ک؛

ابن تیمیه، ۱۴۱۰ق.: ۱۶). ابن تیمیه در توجیه و جواب علمایی که زیارت قبر پیامبر را مستحب می‌دانند، می‌نویسد: «منظور آن‌ها زیارت مسجد پیامبر است، نه قبر پیامبر» (ابن تیمیه، ۲۰۰۵م، ج ۲۷: ۲۴۶ و ۲۵۳).

ابن تیمیه با انکار برتری زیارت قبر پیامبر نسبت به سایر قبور و امکان، در دام خطایی نابخشودنی افتاده است. یکی از خطاهای ابن تیمیه نیز هم‌رتبه و مساوی انگاشتن زیارت قبر انبیا با سایر قبور است، در حالی که این تصور نوعی بی‌ادبی و کاستن از رتبه و شأن انبیا و پیامبر عزیز اسلام است. بر کسی پوشیده نیست که از نشانه‌های مؤمنان، تکریم و تعظیم پیامبر در حیات و ممات اوست. استحباب زیارت قبر پیامبر، اجماع بین مسلمین است (ر.ک؛ سمهودی، ۱۴۱۹ق، ج ۴: ۱۸۳).

ابن تیمیه با اطلاع از روایات و سیره مسلمین در جواز زیارت قبور و سفر برای آن و نیز با احتمال دادن انتقادات علما از او در اثبات عقیده‌اش، دست به یک تحریف معنوی می‌زند و با تأویل مفهوم زیارت، آن را به دو قسم «زیارت شرعی» و «زیارت بدعی» تقسیم می‌کند. یک قسم، زیارت شرعی است که به اعتقاد ابن تیمیه، همان دعا و سلام برای صاحب قبر است. این نوع زیارت مانند نماز میّت خواندن است. ظاهراً بستن بار سفر برای چنین زیارتی مشروع می‌باشد؛ چراکه اصل زیارت، مشروع و مستحب است. قسم دیگر که در اعتقاد ابن تیمیه زیارت بدعی است، در آن قصد شرک به خداوند است و زایر به قصد افضلیت صاحب مزار، تبرک آن مکان و بزرگداشت او، در آنجا نماز و دعا می‌خواند و از خداوند می‌خواهد که مشکلات او را حل کند (ر.ک؛ ابن تیمیه، ۱۹۸۷م، ج ۲: ۴۲۴-۴۴۴ و همان، ۲۰۰۵م، ج ۱: ۲۳۶). ابن تیمیه زیارت قبور انبیا و صالحین را از نوع زیارت قبور بدعی و شرک می‌داند: «هَذِهِ الزِّيَارَةُ الْبِدْعِيَّةُ وَالشَّرْكَِيَّةُ: این نوع زیارت، بدعت و شرک است» (ابن تیمیه، ۱۹۸۷م، ج ۳: ۶۰).

یکی از انتقادهایی که به ابن تیمیه وارد است، همین تقسیم زیارت به دو قسم شرعی و بدعی هست. در حالی که قسم سوم از زیارت قبور را هم می‌توان تصور نمود که در آن، قصد تبرک و دعا برای برآورده شدن حوایج نزد قبر هست. ابن تیمیه قسم دوم و سوم را یکی دانسته است و هر دو را بدعی می‌داند، در حالی که در نصوص دینی و سیره سلف، تبرک به

قبور انبیا و صالحین امری مرسوم و رایج بوده است (ر.ک؛ سبکی، ۱۹۸۲م: ۱۳۰). ابن تیمیه دلیلی برای تقسیم زیارت به دو قسم شرعی و بدعی ارائه نمی‌دهد. انحصار زیارت در دو قسم، صرفاً ادعایی بدون دلیل است؛ چراکه همه احکام، مانند نماز، روزه، زکات و... به دو قسم بدعی و شرعی تقسیم‌شدنی است. ضمن اینکه در عرف متشرعه و کتب لغت، حکم و شکل زیارت قبور، غیر از نماز میت خواندن است. نماز میت یک واجب کفایی و قصد دعا برای مرده است، ولی زیارت قبور، مستحب مؤکد و قصد آثار تربیتی برای زائر می‌باشد.

۵. استدلال‌های ابن تیمیه

ابن تیمیه برای اثبات عقاید خود به چندین نوع ادله اثباتی، انکاری، توجیهی و تأویلی تمسک می‌جوید. از مهم‌ترین ادله اثباتی او، سیره صحابه و اجماع مسلمین است. مهم‌ترین دلیل انکاری او، حدیث شد رحال است. همچنین، ابن تیمیه به توجیه روایاتی می‌پردازد که زیارت قبور و سفر برای آن را مشروع و مستحب می‌داند. او این گونه روایات را غیرمعتبر و ضعیف می‌شمارد. در ادامه، به تبیین و تحلیل مهم‌ترین استدلال‌های ابن تیمیه می‌پردازیم.

۵-۱. حدیث شد رحال

یکی از مستندات ابن تیمیه در انکار زیارت قبور و انکار مشروعیت سفر برای زیارت قبور، حدیثی است که در متون روایی به «حدیث شد رحال» معروف است.^۲ ابن تیمیه در آثار خود بیش از سی بار به این دلیل استناد کرده است. محتوای این حدیث، عام است و سفر کردن را به طور مطلق جز به مقصد سه مسجد، یعنی مسجد الحرام، مسجد النبی و مسجد الأقصی منع می‌کند. ابن تیمیه نیز از همین معنای عام استفاده می‌ند و حکم به این می‌دهد که سفر جز برای زیارت این سه مسجد جایز نیست. همچنین، او با استناد به همین حکم عام نتیجه می‌گیرد که سفر برای زیارت قبور انبیا، دعا و عبادت کردن در آنجا نیز جایز نیست (ر.ک؛ ابن تیمیه، ۱۹۹۵م: ج ۲۷: ۱۳۸).

درباره این حدیث، دو بحث سندی و دلالتی مطرح است. از نظر سند، روایت منسوب به ابوهریره است که جایگاه او در جعل حدیث در میان اهل سنت نیز مشهور است. ذهبی در نقلی، او را «مدلس» می‌خواند (ر.ک؛ ذهبی، ۱۹۸۵م، ج ۲: ۶۰۸ و ابوریثه، ۱۹۶۹م: ۱۱۳ و ۱۳۲). صرف نظر از ضعف سند و بر فرض صحت حدیث، از نظر دلالت نمی‌تواند مقصود ابن تیمیه را ثابت کند. در باب دلالت حدیث می‌توان گفت که لفظ «الّا» استثناء است و «مستثنی منه» لازم دارد و باید آن را در تقدیر گرفت. درباره مستثنی منه دو احتمال مطرح است. احتمال اول اینکه مستثنی منه مطلق باشد و سفر به هیچ مکانی غیر از سه مسجد جایز نباشد: «لَا تُشَدُّ إِلَيَّ مَكَانٍ مِنَ الْأَمْكَنَةِ إِلَّا إِلَيَّ ثَلَاثَةَ مَسَاجِدٍ». احتمال دوم اینکه مستثنی منه فقط مساجد باشد و از میان مساجد، فقط سفر به این سه مسجد جایز باشد: «لَا تُشَدُّ إِلَيَّ مَسْجِدٍ مِنَ الْمَسَاجِدِ إِلَّا ثَلَاثَةَ مَسَاجِدٍ».

احتمال اول درباره این حدیث موجب می‌شود که استثنای بسیاری برای حدیث وارد شود و زا این رو، استثناء را قبیح می‌کند. صدور چنین استثنای قبیحی از پیامبر معصوم، محال است؛ زیرا سفرهای دینی به سوی بسیاری از مکان‌ها جایز، بلکه گاه واجب است؛ مثل سفر برای جهاد، تحصیل علم، صلّه رحم، حج یا عرفات و منی و... بنابراین، نظر به اینکه سیاق حدیث بر مساجد متمرکز شده است و مستثنی، «مساجد» است و استثناء هم یک استثنای متصل است، حکایت از این دارد که مقصود روایت، احتمال دوم است که سفر کردن برای عبادت در مساجد جز در باب سه مسجد جایز نیست. این احتمال درباره حدیث، استدلال به آن را بر مدعای ابن تیمیه مخدوش می‌کند؛ زیرا دیگر نمی‌توان گفت که پیامبر اکرم (ص) از سفر برای زیارت قبور و مشاهد شریفه نهی فرموده است؛ به بیان دیگر، بر اساس این احتمال باید گفت: بار سفر به هیچ مسجدی از مساجد بسته نمی‌شود، مگر به این سه مسجد، نه اینکه سفر «شدّ رحال» برای هیچ مکانی، هر چند مسجد نباشد، جایز نیست. بنابراین، هرگاه کسی برای زیارت پیامبران، امامان و انسان‌های صالح بار سفر ببندد، هرگز مشمول نهی حدیث نخواهد بود؛ زیرا موضوع بحث، عزم سفر برای مساجد است و از میان تمام مساجد، این سه مسجد استثناء شده است. اما عزم سفر برای زیارت مشاهد و عبادت در آنجا که از موضوع بحث بیرون است،

داخل در نهی نیست. این دلیل را علمای شیعه و سنی به تفصیل جواب گفته‌اند (ر.ک؛ سبکی، ۱۹۸۲م: ۱۱۷؛ امین، ۱۳۸۷: ۶۴۲؛ سبحانی، ۱۳۸۸: ۱۲۶ و شوکانی، ۱۹۹۳م، ج ۵: ۱۱۴).

سبکی ذیل این حدیث می‌نویسد:

«نهی از سفر، مشروط به دو شرط است: ۱. غایت آن غیر مساجد سه گانه باشد. ۲. سفر برای تعظیم بقعه باشد، ولی سفر برای زیارت پیامبر، اولاً غایت آن یکی از مساجد ثلاثه است؛ چرا که مسجدالنبی مجاور قبر شریف است. ثانیاً سفر برای تعظیم ساکن بقعه است، نه خود بقعه. با این بیان، چرا باید سفر برای زیارت پیامبر ممنوع باشد؟» (سبکی، ۱۹۸۲م: ۱۱۷).

برخی از بزرگان اهل سنت، از جمله نووی، قاضی عیاض و ابن قدامه معتقدند که سفر برای زیارت قبور و مشاهد شریفه، حرام یا مکروه نیست، بلکه سفر، مشروع و نماز، شکسته است. مقصود پیامبر از نهی حدیث می‌تواند یکی از وجوه ذیل باشد: الف) قصد قربت فقط در سفر برای مساجد سه گانه حاصل می‌شود. ب) منظور، تعظیم مساجد سه گانه و فضیلت تام و تمام عبادت و نماز در آنها و لازم‌الوفاء بودن نذر سفر برای آنهاست. همچنین، منظور از آن، نفی فضیلت سفر برای سایر مساجد، لازم‌الوفاء نبودن نذر سفر آنهاست، نه اینکه منظور تحریم سفر باشد. بنابراین، فضیلت یک مسجد، شرط اباحه و مشروعیت سفر نیست. با منتفی شدن فضیلت هم سفر مشروع است. د) منظور، صحیح بودن اعتکاف و نذر سفر برای اعتکاف در این مساجد است (ر.ک؛ همان و ابن عساکر، بی‌تا، ج ۱: ۳۳).

سید محسن امین ذیل این حدیث می‌نویسد:

«حصر در حدیث، حصر اضافی است، نه حقیقی. ضمناً از روایات استفاده نمی‌شود که سفر به سایر مساجد حرام باشد، بلکه منظور، فضیلت این مساجد است. چگونه می‌توان تصور کرد کسی که برای عبادت و اطاعت خدا مسافرت کند، معصیت نموده، گناهکار است! مسجد هر مقدار هم که دور باشد، از مسجد بودن خارج نمی‌شود و نماز در آن هم از عبادت و اطاعت خداوند بیرون نمی‌رود. پس معقول نیست گفته شود مسافرت برای نماز خواندن در مسجد، معصیت و گناه است. مسافرتی

که مقدمه برای امر مستحبی است، هر گز حرام و معصیت نمی‌شود» (امین، ۱۳۸۷: ۶۴۲).

۵-۲. احادیث نهی از زیارت قبور

افزون بر حدیث شد رحال، ابن تیمیه به روایات دیگری هم استناد می‌کند، اما نظر به اینکه مهم‌ترین دلیل او حدیث شد رحال است و روایات دیگر صراحت در منع زیارت قبور و منع سفر برای آن ندارند، بلکه حاکی از منع عبادت در مقابر می‌باشند که عبادت در مقابر، غیر از زیارت مقابر است و برای جلوگیری از طولانی شدن بحث، صرفاً به اختصار به آن‌ها اشاره می‌شود (ر.ک؛ ابن تیمیه، ۱۹۸۷م، ج ۲: ۴۲۴-۴۴۴ و همان، ۲۰۰۵م، ج ۱: ۲۳۶).

۱. «لَا تَتَّخِذُوا قَبْرِی عِیداً، وَلَا یُیُوتَکُمْ قُبُوراً، فَإِنَّ تَسْلِیْمَکُمْ یُبَلِّغُنِی أَيْنَمَا کُنْتُمْ: قبر مرا محل بازگشت قرار ندهید. همچنین، خانه‌هایتان را مقبره نکنید. هر جا به من سلام کنید، سلام شما به من رسانده می‌شود» (ابن تیمیه، ۲۰۰۵م، ج ۱: ۲۳۶).

شوکانی به نقل از شارحان احادیث اهل سنت، ذیل این حدیث می‌نویسد:

«شخصی که هر روز به زیارت قبر پیامبر می‌آمد و در این کار افراط و زیاده‌روی می‌نمود، علی‌بن حسین بود که این حدیث را از پدرش نقل کرد. لذا حدیث برای انکار زیارت نیست، بلکه برای زیاده‌روی در آن است. حدیث به معنی منع زیارت قبور نیست، بلکه به معنی این است که نماز در خانه‌هایتان را ترک نکنید، منازل خود را مانند قبرستان نکنید که در آنجا نماز خوانده نمی‌شود» (شوکانی، ۱۹۹۳م، ج ۵: ۱۱۴).

۳. «لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْيَهُودِ وَالنَّصَارَى اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ: لعنت خدا بر یهود و نصارا که قبور پیامبران خود را مسجد نمودند» (ابن تیمیه، ۲۰۰۵م، ج ۱: ۳۰۳).

۴. «إِنَّ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ كَانُوا يَتَّخِذُونَ الْقُبُورَ مَسَاجِدَ، أَلَا فَلَا تَتَّخِذُوا الْقُبُورَ مَسَاجِدَ فَإِنِّي أَنهَاكُمُ عَنْ ذَلِكَ: به راستی افرادی پیش از شما قبور را تبدیل به مساجد کردند. آگاه باشید که شما چنین نکنید. من شما را از این کار باز می‌دارم» (همان: ۶۶).

۵. «إِنَّ مِنْ شِرَارِ النَّاسِ مَنْ تُدْرِكُهُمُ السَّاعَةُ وَهُمْ أَحْيَاءُ وَالَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْقُبُورَ مَسَاجِدَ: ضرورت‌ترین مردمان کسانی هستند که قبرها را تبدیل به مساجد می‌کنند» (ابن تیمیه، ۱۹۸۷م، ج ۲: ۴۲۴-۴۴۳ و همان، ۲۰۰۵م، ج ۱: ۲۳۶).

۳-۵. ضعیف بودن روایات زیارت قبور

بی‌شک ابن تیمیه برای اثبات عقاید خود، افزون بر ادله و روایاتی که به آن‌ها استناد می‌کند، باید به جواب از ادله و روایاتی پردازد که زیارت قبور، خاصه آرامگاه شریف پیامبر^(ص) را جایز، بلکه مستحب می‌داند. ابن تیمیه بدون بحث از محتوای این احادیث، همه آن‌ها را به لحاظ سند، ضعیف می‌شمارد و می‌نویسد که این نوع روایات در کتب غیر معتبر نقل شده‌است و قابل استناد نیستند^۳ (ر.ک؛ همان، ۲۰۰۵م، ج ۲۷: ۲۳۵).

در نقد این سخن باید گفت روایات فراوانی در مشروعیت و استحباب زیارت قبور، خاصه آرامگاه شریف پیامبر^(ص) و جواز سفر برای زیارت در منابع معتبر حدیثی اهل سنت گزارش شده‌است. ضعیف دانستن این کتب، موجب نادیده انگاشتن بخش بزرگی از میراث حدیثی اهل سنت می‌شود.

۴-۵ سیره صحابه و تابعین

ابن تیمیه همواره برای دفاع از باورهای خود، به سیره سلف و سخنان برخی از پیشینیان امت تمسک می‌جوید و چنین وانمود می‌کند که همه صحابه و تابعان اندیشه‌ای داشته‌اند که امروز در مکاتبی چون وهابی‌گری تبلور یافته‌است. به عقیده او، راه نجات در پیروی همه‌جانبه از سلف است (ر.ک؛ ابن تیمیه، ۱۹۹۵م، ج ۴: ۳۸؛ ابن تیمیه، ۱۳۹۱، ج ۴: ۶۶ و ابن تیمیه، ۱۹۹۵م، ج ۷۱: ۲۷). از جمله ادعاهای ابن تیمیه بر انکار زیارت قبور و مشاعر، استدلال به سیره صحابه و تابعین است. او می‌نویسد سلفی که اعلم از ما هستند، فعل آن‌ها حجت بر ماست. وقتی صحابه سرزمین‌های شام، عراق و مصر را فتح کردند، آن‌ها قصد زیارت مقابر انبیا، از جمله قبر حضرت ابراهیم خلیل الله^(ع) و مشاعر و مکان‌های مقدس را نکردند (ر.ک؛ همان،

۱۴۱۰ق: ۱۶ و همان، ۱۹۸۷م، ج ۲: ۴۲۴-۴۴۴ و همان، ۱۹۹۵م، ج ۲۷: ۱۳۸). بنابراین، زیارت قبور انبیا و تبرک به مشاعر، مشروع نیست.

استناد به این دلیل صحیح نیست؛ زیرا احتمال دارد این قبور و مشاعر برای صحابه ثابت نشده باشد. اما نظر به اینکه سیره سلف جایگاهی بس عظیم در اندیشه ابن تیمیه دارد، نکات زیر درباره آن شایسته توجه است.

الف) دیدگاه اعتقادی پیشینیان و عملکرد آنان به خودی خود ارزشی ندارد و نمی تواند مبنای داوری ما قرار گیرد، بلکه تنها راه مطمئن برای دستیابی به معارف اسلامی، تمسک به کتاب و سنت و نیز استفاده از راهنمایی های عقل سلیم است.

ب) سلف در فهم مسائل اتفاق نظر نداشتند و یک مذهب واحد نداشتند تا گفته شود مذهب سلف یا فهم سلف

ج) خطاب های قرآن مانند ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا﴾، عام است و شامل سلف و خلف الی یوم القیامه می شود. بنابراین، فهم مجتهدان، اعم از سلف و خلف، معتبر است.

د) خداوند در آیه ۵۹ سوره نساء فرمودند: «اگر بر چیزی نزاع داشتید، برای حل آن به خدا و رسول او رجوع کنید». قرآن نفرموده است که فقط به سلف مراجعه کنید!

ه) سلف در موارد زیادی، از جمله موارد زیر اختلاف داشتند: ۱- اختلاف در مسئله خلق قرآن (ر.ک؛ ابن عبدالبر، بی تا: ۱۰۶). ۲- اختلاف عایشه و ابن عباس در دیده شدن خداوند از سوی پیامبر در شب اسراء (ر.ک؛ الحصینی، ۱۹۹۵م: ۲۱۸). ۳- اختلاف سلف در دیده شدن خداوند در روز قیامت (ر.ک؛ ابن حجر، ۱۳۷۹، ج ۱۳: ۴۲۵ و ۵۳۸). بوطی به شمارش مواردی پرداخته که سلف در فهم آن با هم اختلاف داشتند (ر.ک؛ البوطی، ۱۳۸۹: ۱۸۰).

۶. ادله مشروعیت زیارت قبور و سفر برای آن

چنان که ملاحظه شد، استدلال‌های ابن تیمیه شایسته استناد نبودند. افزون بر این، دلایل فراوانی از قرآن، سنت و عقل بر جایز و مستحب دانستن زیارت قبور و سفر برای آن وجود دارد. در این گفتار، به برخی از این استدلال‌ها اشاره می‌شود.

۶-۱. استدلال‌های قرآنی

قرآن کریم یکی از منابع اصلی تفکر و اعتقادات صحیح مسلمانان است. قرآن می‌فرماید هرگاه در مسئله‌ای اختلاف کردید، آن را به خدا و رسول او واگذار کنید: ﴿فَإِنْ تَسَاوَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ﴾ (النساء / ۵۹). برای روشن شدن مسئله زیارت قبور و تبرک و نیز مشروعیت سفر برای زیارت قبور، مراجعه به قرآن یکی از فصل الخطاب‌های ضروری است. با مراجعه به قرآن، آیه‌ای که به صراحت یا حتی به کنایه زیارت قبور را منع و حرام بداند، یافت نمی‌شود؛ چراکه اگر چنین آیه‌ای وجود داشت، ابن تیمیه و پیروان او آن را بیان می‌کردند. افزون بر این، آیاتی از قرآن هست که محتوای آن دلالت بر مشروعیت زیارت قبور و جواز سفر برای آن است. یکی از این آیات، آیه استغفار است: ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ...﴾ اگر آنان وقتی به خود ستم کرده بودند، پیش تو می‌آمدند و از خدا آمرزش می‌خواستند و پیامبر [نیز] برای آنان طلب آمرزش می‌کرد، قطعاً خدا را توبه‌پذیر مهربان می‌یافتند... ﴿(النساء / ۶).

نظر به اطلاق آیه و حیات برزخی پیامبر، این شأن با فوت پیامبر قطع نمی‌گردد. بنابراین، سفر نمودن به قصد زیارت پیامبر، برای توبه و آمرزش گناهان و نیز دعا و طلب استغفار از پیامبر، یک امر سفارش شده قرآنی است. اگر ادعا شود که این مراجعه به پیامبر در حیات او و نه در ممات او بوده، این ادعا با حیات برزخی پیامبر، سلام مؤمنان و عرضه اعمال آن‌ها بر او نقض می‌شود. اعتقاد مسلمانان بر این است که پیامبر هنوز زنده است و حیات برزخی دارد و زنده بودن آن حضرت از زنده بودن شهیدان مهم‌تر است. در روایتی پیامبر فرمودند: «هر که بر من سلام کند، خداوند روح مرا به بدنم برمی‌گرداند تا جواب سلام او را بگویم...» (سمهودی،

۱۴۱۹ق.، ج ۴: ۱۸۳ و امین، ۱۳۸۷: ۶۲۶ و ۱۷۲). در تأیید محتوای آیه، حکایت مشهوری را که علمای اهل سنت در مناسک حج نقل کرده‌اند، می‌توان ذکر کرد. بر اساس این حدیث، مردی عرب وارد مدینه و کنار قبر شریف می‌ایستد و آیه فوق را تلاوت می‌کند و آنگاه می‌گوید: «ای رسول‌الله! من آمده‌ام، در حالی که تو را شفیع خود قرار می‌دهم و خواستار آمرزش گناهانم هستم» (سمهودی، ۱۴۱۹ق.، ج ۴: ۱۸۳).

از دیگر آیاتی که مشروعیت زیارت قبور و جواز سفر برای آن استنباط می‌شود، محتوای آیه ﴿وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ...﴾ کسی که از خانه خود به سوی خدا و رسول مهاجرت کند... (النساء / ۱۰۰) است. آیه اطلاق دارد و شامل مهاجرت در حیات و ممات پیامبر می‌شود. همچنان که مهاجرت به سوی خداوند مختص زمان خاصی نیست، مهاجرت به سوی پیامبر هم نباید مختص زمان خاصی باشد (ر.ک؛ شوکانی، ۱۹۹۳م.، ج ۵: ۱۱۴).

۲-۶. استدلال‌های روایی

افزون بر ادله قرآنی زیارت قبور که ذکر شد، ادله روایی فراوانی هم در مشروعیت زیارت قبور و سفر برای زیارت قبور وجود دارد. این روایات را به چند گروه می‌توان تقسیم کرد. برخی از این روایات به طور خاص تصریح به لفظ زیارت قبر شریف پیامبر (ص) دارند و دسته دیگر احادیثی هستند که لازمه آن‌ها، حیات برزخی پیامبر و شنیدن سلام و درود زایران است. این دسته به صورت عام از مؤمنان می‌خواهد که به زیارت قبور بروند.

۱-۲-۶. روایات خاص

بیهقی، دارقطنی، طبرانی، فاکهی، سبکی، ابن عساکر، ابن نجار، سمهودی، شوکانی، آلوسی و... روایات زیادی بر مشروعیت زیارت قبور، خاصه قبر شریف پیامبر و جواز سفر برای زیارت آن از کتب معتبر اهل سنت گزارش کرده‌اند که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

فراوانی این احادیث و تأیید محتوای آن‌ها به ظاهر قرآن و سیره مسلمانان می‌تواند ضعف سندی برخی از آن‌ها را جبران کند.

۱. «مَنْ حَجَّ قَرَارَ قَبْرِي بَعْدَ وَفَاتِي كَانَ كَمَنْ زَارَنِي فِي حَيَاتِي: کسی که حج کند و قبر مرا زیارت کند، نظیر کسی است که مرا در زمان زندگانیم زیارت کرده‌است» (بیهقی، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۴۸۹؛ همان، ۱۳۴۴، ج ۲: ۲۴۹؛ دارقطنی، ۱۹۶۶م، ج ۲: ۲۷۸؛ ابن عساکر، بی‌تا، ج ۱: ۱۹؛ شوکانی، ۱۹۹۳م، ج ۵: ۱۱۴ و ابن برهان، ۱۹۸۱م، ج ۵: ۱۳۵).

۲. «مَنْ حَجَّ الْبَيْتَ وَلَمْ يَزُرْنِي فَقَدْ جَفَانِي: کسی که حج کند و مرا زیارت نکند، در حق من جفا نموده‌است» (آلوسی، ۱۹۸۱م، ج ۱: ۵۹۱ و ابن عساکر، بی‌تا، ج ۱: ۱۹). نظر به اینکه جفا در حق پیامبر، حرام است، هر کس حج کند و به زیارت پیامبر نرود، در حق او مرتکب فعل حرام شده‌است. بنابراین، زیارت او بعد از حج، یک تکلیف و واجب شرعی است.

۳. «مَنْ زَارَ قَبْرِي وَجَبَتْ لَهُ شَفَاعَتِي» یا «مَنْ زَارَنِي كُنْتُ لَهُ شَفِيعاً؛ یعنی هر کسی که قبر مرا زیارت کند، شفاعت من او را واجب می‌شود (ر.ک؛ دارقطنی، ۱۹۶۶م، ج ۲: ۲۷۸؛ بیهقی، ۱۴۱۰ق، ج ۳: ۴۹۰؛ ابن عساکر، بی‌تا، ج ۱: ۱۹؛ سفارینی، ۱۹۸۲م، ج ۲: ۲۱۶؛ ابن برهان، ۱۹۸۱م، ج ۵: ۱۳۵؛ قزوینی، بی‌تا، ج ۲: ۱۰۳۹ و سندی، بی‌تا، ج ۲: ۲۶۷). محتوای این گونه روایات، زیارت قبر پیامبر و سفر برای آن را توصیه، بلکه مستحب می‌کند. بدون مسافرت امکان ندارد شخصی به فضیلت زیارت و شفاعت پیامبر برسد. بنابراین، اگر زیارت پیامبر از مقربات است و فرقی بین دور یا نزدیکان نیست، سفر کردن به آن نیز جایز است.

۶-۲-۲. روایات عام

چنان‌که قبلاً اشاره شد، برخی روایات عام وجود دارد که مؤمنان را تشویق به زیارت قبور می‌کند. این زیارت قبور، اعم از پیامبر، اولیا، شهداء یا سایر مؤمنان می‌باشند. از عمومیت و اطلاق این روایات، مشروعیت زیارت قبر پیامبر^(ص) و سفر برای آن استنباط می‌شود.

۱. «زُورُوا الْقُبُورَ تُدَكِّرْكُمْ الْمَوْتَ وَرَوَى تُدَكِّرُ الْآخِرَةَ: قبور را زیارت کنید که شما را به

یاد مرگ و آخرت می‌اندازد» (ابن ماجه، ۲۰۰۹م، ج ۲: ۵۱۱).

۲. «كُنْتُ نَهَيْتُكُمْ عَنْ زِيَارَةِ الْقُبُورِ فَرُورُواهَا: مَنْ پيش تر (به سبب شرك پدران و عصر جاهليت)، شما را از زيارت قبور نهی کرده بودم. اکنون نیز (عصر اسلام) می گویم: هر چه می توانید به زيارت قبور بروید» (همان: ۵۱۲).

۳. پیامبر (ص) به اصحاب خود سفارش می فرمود که هر گاه به قبرستان رفتند، این گونه سلام کنند: «السَّلَامُ عَلَيَّ أَهْلِ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ» (نیشابوری، بی تا، ج ۲: ۶۶۹).

۴. «مَا مِنْ أَحَدٍ يُسَلِّمُ عَلَيَّ إِلَّا رَدَّ اللَّهُ عَلَيَّ رُوحِي حَتَّى أَرُدُّ عَلَيْهِ السَّلَامَ: کسی نیست که بر من سلام کند، مگر اینکه خداوند سلام او را به من می رساند» (ابی داود، ۲۰۰۹م، ج ۳: ۳۸۴). بر اساس این روایات، پیامبر (ص) حیات برزخی دارند، زنده هستند، زایر خود را می شناسند و جواب سلام او را می دهند. برداشت عموم علمای اهل سنت این است که زایر باید به نزدیک قبر شریف رود و از نزدیک سلام دهد (ر.ک؛ مبارک فوری، ۱۹۸۴م، ج ۳: ۲۶۳). اگر سلام به پیامبر مستحب است و این امر حاصل نمی شود مگر به حاضر شدن نزد قبر شریف، پس زیارت پیامبر و آهنگ سفر نمودن برای سلام دادن به او (ص)، مجاز و مستحب می گردد.

۵. «مَنْ صَلَّى عَلَيَّ عِنْدَ قَبْرِ رُدِّتُ عَلَيْهِ، وَمَنْ صَلَّى عَلَيَّ فِي مَكَانٍ آخِرٍ بَلَّغُونِيهِ: هر کس به نزد قبرم بر من سلام کند، جوابش را می دهم و هر کس از مکان دور سلام کند، سلام او را به من می رسانند» (سمهودی، ۱۴۱۹ق، ج ۴: ۱۸۳؛ بیهقی، ۱۴۱۰ق، ج ۳: ۴۸۹ و ابن برهان، ۱۹۸۱م، ج ۱: ۴۸۹).

۳-۶. سیره پیامبر (ص)

سیره و رفتار پیامبر (ص) در سفر برای زیارت مسجد قبا و تشویق مسلمانان به آن استثنایی برای حدیث شد رحال است که محتوای آن را به چالش می کشد؛ زیرا پیامبر پیاده و سواره به مسجد قبا و زیارت قبور می رفتند. همچنین، گزارش هایی هست که پیامبر (ص) قبر مادرشان را زیارت کردند: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ زَارَ قَبْرَ أُمِّهِ» (ابن عبدالبر، ۱۳۸۷، ج ۳: ۲۳۰-۲۳۵؛ سبکی، ۱۹۸۲م: ۱۱۷). بر اساس گزارش برخی از روایات، پیامبر (ص) ابتدای هر سال

به زیارت قبور شهدای احد می‌رفتند (ر.ک؛ نیسابوری، بی‌تا، ج ۴: ۱۷۹۵؛ ابن عابدین، ۱۹۹۲م، ج ۶: ۳۶۳؛ سرخسی، ۲۰۰۰م، ج ۲۴: ۱۸، طحاوی، ۱۳۱۸، ج ۱: ۴۰۹-۴۱۳؛ ابی داود، بی‌تا، ج ۵: ۱۲۹ و ابن حنبل، ۲۰۰۱م، ج ۲۸: ۶۲۱).

۶-۴. سیره صحابه و تابعین

سمهودی و سید محسن امین روایاتی را گزارش می‌کنند که حکایت از زیارت قبور از سوی صحابه است (ر.ک؛ سمهودی، ۱۴۱۹ق، ج ۴: ۱۸۳ و امین، ۱۳۸۷: ۶۴۰). شوکانی می‌نویسد که زیارت قبر شریف پیامبر^(ص) از سوی برخی از صحابه نقل شده است. از جمله از سوی بلال که ابن عساکر آن را به سند صحیح نقل می‌کند. زیارت عبدالله بن عمر را مالک در موطاء گزارش می‌کند. زیارت ابویوب را احمد و زیارت انس را عیاض در کتاب شفاء گزارش کرده است. زیارت عمر را بزار و زیارت حضرت علی^(ع) را دارقطنی به سندهای صحیح گزارش کرده‌اند (ر.ک؛ شوکانی، ۱۹۹۳م، ج ۵: ۱۱۴).

منابع روایی اهل سنت گزارش کرده‌اند که حضرت زهرا^(ع) هر هفته جمعه‌ها به زیارت قبر حضرت حمزه می‌رفت و در کنار قبر حضرت حمزه به نماز و گریه مشغول می‌شدند. حاکم با ثقة دانستن راویان حدیث، آن را در طبقه احادیث صحیح‌الاسناد قرار می‌دهد (ر.ک؛ حاکم، ۱۹۹۰م، ج ۱: ۵۳۳؛ همان، ج ۳: ۳۰ و بیهقی، ۱۳۴۴، ج ۴: ۷۸). بر اساس این حدیث، ضمن مشروع بودن زیارت قبور برای زنان، گریه و نماز در مقبره هم بدون اشکال است. در حدیث صحیح‌السندی از نافع، مولای ابن عمر، نقل شده که ابن عمر به زیارت قبور بقیع می‌رفت و در آن مکان نماز هم می‌خواند (ر.ک؛ بیهقی، ۱۳۴۴، ج ۲: ۳۱۸؛ طبرانی، ۱۹۸۳م، ج ۲۳: ۲۹، عبدالرزاق، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۴۰۷). در منابع روایی نقل شده که واثقه بن الأسقع، صحابی پیامبر، به زیارت قبور می‌رفت و نمازهای فریضه‌اش را در مقبره می‌خواند (ر.ک؛ ابن منذر، الاوسط، ج ۳: ۷؛ ابن رجب، ۱۴۲۲ق، ج ۲: ۴۰۰).

بنا به نقل منابع، عایشه به زیارت قبر برادرش (عبدالرحمن) در مکه می‌رفت (ر.ک؛ ابن عابدین، ۱۹۹۲م، ج ۶: ۳۶۳ و سرخسی، ۲۰۰۰م، ج ۲۴: ۱۸؛ طحاوی حنفی، ۱۳۱۸، ج ۱:

۴۰۹-۴۱۳ و ابن عبدالبر، ۱۳۸۷، ج ۳: ۲۳۰-۲۳۵). بر اساس گزارش ابن عبدری، هرگاه عبدالله بن عمر از سفر برمی‌گشت، مقابل در خانه عایشه می‌ایستاد و می‌گفت: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا بَكْرٍ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَتِ» (ابن عبدری، ۱۳۹۸، ج ۲: ۲۳۶).

وقتی بلال در خواب مورد اعتراض پیامبر^(ص) واقع می‌شود که چرا به زیارت ما نمی‌آیی، او آهنگ سفر به سمت مدینه می‌کند، بر سر قبر حاضر می‌شود و شروع به گریه می‌کند (ر.ک؛ سمهودی، ۱۴۱۹ق، ج ۴: ۱۸۳). در منابع نقل شده، بعد از فتح بیت المقدس و مصالحة عمر با ساکنان آن، کعب‌الأحبار مسلمان شد. عمر به کعب می‌گوید: دوست داری با من به زیارت قبر پیامبر^(ص) در مدینه بیایی؟! کعب قبول کرد و با عمر آهنگ سفر برای زیارت قبر پیامبر می‌کند (ر.ک؛ سبکی، ۱۹۸۲م: ۱۱۷؛ سمهودی، ۱۴۱۹ق، ج ۴: ۱۸۳ و امین، ۱۳۸۷: ۱۳۸۷). همچنین، گزارش شده که عمر بن عبدالعزیز نامه‌رسانی را از شام مأمور می‌کند که به زیارت قبر پیامبر رفته، سلام او را به پیامبر ابلاغ کند (ر.ک؛ سبکی، ۱۹۸۲م: ۱۱۷؛ سمهودی، ۱۴۱۹ق، ج ۴: ۱۸۳ و امین، ۱۳۸۷: ۱۳۸۷).

۵-۶. سیره و اجماع مسلمین

در کنار استدلال‌های قرآنی و روایی، سیره پیامبر^(ص)، صحابه، تابعین و نیز اجماع مسلمین یکی از منابع استنباط احکام است. قاضی عیاض می‌نویسد: «و زيارَةُ قَبْرِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سُنَّةٌ مِنْ سُنَنِ الْمُسْلِمِينَ مُجْمَعَةٌ عَلَيْهَا: زیارت قبر پیامبر^(ص) مستحب اجماعی و سنتی از سنت‌های مسلمانان است» (قاضی عیاض، ۱۹۹۸م، ج ۲: ۸۳). یکی از موارد اختلاف بین سلف در مسئله سفر حج این است که آیا حاجی بهتر است اول قصد مدینه کند، سپس به حج برود، یا بهتر است اول به حج رفته، سپس به مدینه برود. نفس این اختلاف بین سلف حکایت از آن دارد که مشروعیت اصل سفر برای مدینه و زیارت پیامبر^(ص)، یک امر اجماعی بوده است (ر.ک؛ سمهودی، ۱۴۱۹ق، ج ۴: ۱۸۳). اگر گفته شود که حجاج قصد زیارت مسجد پیامبر می‌کنند و نه قبر او، این ادعا صحیح نیست؛ چراکه در این صورت، پرسیده می‌شود چرا حجاج قصد مسافرت به مسجد قدس را ندارند، با وجود آنکه این مسافرت برای بسیاری از حجاج راحت و

نماز در آنجا فضیلت هم دارد. اگر کسی شك دارد، از حجاج بپرسد که به چه قصدی به مدینه می‌آیند.

یکی از وجوه جواز مسافرت برای زیارت قبور، بحث تبرک است. سمهودی از دیماطی نقل می‌کند که زیارت قبور انبیا، صحابه، تابعین، علما و مؤمنان برای تبرک رجحان آن معروف است. غزالی در این زمینه می‌نویسد: «كُلُّ مَنْ يَتَبَرَّكَ بِمُشَاهِدَتِهِ فِي حَيَاتِهِ يَتَبَرَّكُ بِزِيَارَتِهِ بَعْدَ مَوْتِهِ، وَيَجُوزُ شَدَّ الرَّحَالِ لِهَذَا الْغَرَضِ: هَر كَسَى كَه تَبَرَكْ بَه اُو دَر حَيَاتَش جَايزِ اسْت، پَس از حیات هم سفر و تبرک به آن جایز است» (سمهودی، ۱۴۱۹ق، ج ۴: ۱۸۳ و ابن عابدین، ۱۹۹۲م، ج ۶: ۳۶۳).

۷. جواز زیارت قبور در مذاهب اربعه

۷-۱. دیدگاه ابوحنیفه و حنفی‌ها

به اعتقاد فقهای حنفی، مزید بر اینکه زیارت قبور جایز است، بلکه مستحب هم می‌باشد. فقهای حنفی زیارت قبر پیامبر^(ص) بعد از مناسک حج را از بافضیلت‌ترین مستحبات و نزدیک به واجبات می‌دانند: «إِذْ هِيَ مِنْ أَفْضَلِ الْمُنْدُوبَاتِ وَالْمُسْتَحَبَّاتِ، بَلْ تَقْرُبُ مِنْ دَرَجَةِ الْوَأَجِبَاتِ» (ابن مودود، ۱۹۳۷م، ج ۱: ۱۷۵). فقهای حنفی بعد از بیان فضایل و آداب زیارت پیامبر^(ص) و شیخین می‌نویسند: «زیارت شهدای احد، به‌ویژه حضرت حمزه و زیارت قبه عباس در بقیع (مدفن ائمه شیعه) مستحب هست» (ابن عابدین، ۱۹۹۲م، ج ۶: ۳۶۳؛ سرخسی، ۲۰۰۰م، ج ۲۴: ۱۸ و طحاوی، ۱۳۱۸، ج ۱: ۴۰۹-۴۱۳). درباره جواز سفر برای زیارت به اعتقاد ابن عابدین، اگرچه تصریحی از علما وجود ندارد، ولی منعی هم وجود ندارد (ابن عابدین، ۱۹۹۲م، ج ۶: ۳۶۳). برای آگاهی بیشتر از فتاوی حنفی‌ها، به منابع معتبر و دسته‌اول ذیل مراجعه شود: ر.ک؛ ابن مودود موصلی، ۱۹۳۷م، ج ۱: ۱۷۵).

۲-۷. دیدگاه مالک و مالکی‌ها

در برخی از منابع مالکی، زیارت قبر شریف پیامبر^(ص) بافضیلت‌تر از زیارت کعبه و بیت‌المقدس است. در این منابع، سفر برای زیارت قبر پیامبر^(ص) و نیز نذر زیارت پیامبر^(ص)، جایز و واجب‌الوفاء است (ر.ک؛ حطاب، ۲۰۰۳م، ج ۴: ۵۳۲). کوکب عیید می‌نویسد: «زیارت قبر شریف از بزرگ‌ترین مقربات به خداوند است. زیارت پیامبر تعظیم اوست و تعظیم پیامبر، تعظیم خداوند است. سفر مدینه برای مستطیع، واجب است» (کوکب عیید، بی‌تا، ج ۱: ۳۷۳). فقهای مالکی ضمن مستحب دانستن زیارت قبر پیامبر^(ص)، زیارت شیخین، قبرستان بقیع، قبر هاجر، قبر حضرت آدم^(ع)، کوه اُبی‌قیس، قبور صحابه و تابعین را برای حاجی مستحب می‌دانند (ر.ک؛ قرافی، ۱۹۹۴م، ج ۲: ۴۸۰).

۳-۷. دیدگاه شافعی و شافعی‌ها

شافعی‌ها به اجماع قائل به استحباب زیارت قبر پیامبر^(ص)، سایر انبیا و صالحان می‌باشند و زیارت قبر پیامبر^(ص) را از مهم‌ترین و بافضیلت‌ترین مقربات می‌دانند (ر.ک؛ دمیاپی، بی‌تا، ج ۲: ۱۴۲؛ نووی، بی‌تا، ج ۸: ۲۷۲؛ همان، ۱۴۰۵ق، ج ۳: ۱۲۲ و ابن تیمیه، ۱۹۸۷م، ج ۲: ۲۴). برخی منابع شافعی، زیارت قبر پیامبر را بافضیلت‌تر از زیارت کعبه و بیت‌المقدس می‌دانند^۴ (ر.ک؛ قلوبی، ۱۹۹۵م، ج ۲: ۱۵۹). دمیاپی در قولی زیارت قبر پیامبر را از مستحبات مؤکد بعد از تمتع و عمره، و در قولی نیز از ارکان حج و جزء واجبات می‌داند. به اعتقاد شافعی‌ها، زیارت شهیدان احد و قبرستان بقیع هم بعد از زیارت پیامبر^(ص) از مستحبات است (ر.ک؛ دمیاپی، بی‌تا، ج ۲: ۳۱۲؛ همان، بی‌تا، ج ۸: ۲۷۲؛ شربینی، بی‌تا، ج ۱: ۲۰۸ و نووی، ۱۴۰۵ق، ج ۴: ۳۷۷).

به اعتقاد فقهای شافعی، کسی که نذر کند به زیارت قبر پیامبر یا سایر انبیا، شهیدان و صلحا برود، چنین نذری واجب‌الوفاء است (ر.ک؛ نووی، ۱۴۰۵ق، ج ۶: ۹۶ و دمیاپی، بی‌تا، ج ۳: ۱۶۵). شافعی‌ها افزون بر اینکه زیارت قبر پیامبر را مستحب مؤکد می‌دانند، بلکه برای آن

آدابی هم می‌شمارند که حکایت از توجه آن‌ها به زیارت قبور است (ر.ک؛ نووی، بی‌تا، ج ۸: ۲۷۲؛ برای آگاهی بیشتر، ر.ک؛ ابن حجر، ۱۳۷۹، ج ۳: ۲۰۶ و غزالی، ۱۴۱۷، ج ۴: ۴۰۴).

۷-۴. دیدگاه احمد و حنبلی‌ها

فقه‌های حنبلی معتقدند که بعد از اتمام مناسک حج، زیارت قبر پیامبر^(ص) و شیخین و مشاهد مدینه و بقیع و شهدای احد مستحب است^۵ (ر.ک؛ بهوتی، ۱۴۰۲، ج ۲: ۵۱۴؛ ابن قدامه، ۲۰۰۴، ج ۱: ۵۱ و همان، ۱۹۶۸، ج ۳: ۴۷۷). برخی از منابع حنبلی زیارت قبر پیامبر را از حج مستحبی افضل می‌دانند (ر.ک؛ بهوتی، ۱۴۰۲، ج ۲: ۵۱۴).

در باب سفر برای زیارت قبر، بین فقه‌های حنبلی دو دیدگاه وجود دارد. عده‌ای سفر برای زیارت قبور را مطلقاً جایز نمی‌دانند (ر.ک؛ بهوتی، ۱۴۰۲، ج ۲: ۱۵۰ و بعلی، ۲۰۰۲، ج ۱: ۲۳۹). عده‌ای دیگر بر این باورند که وارد شدن امر پس از نهی در حدیث «كُنْتُ نَهَيْتُكُمْ عَنْ زِيَارَةِ الْقُبُورِ فَرُّورِهَا»، برای استحباب زیارت است. لازمه استحباب زیارت قبر پیامبر^(ص)، استحباب شد رحال است؛ زیرا استحباب زیارت پیامبر بدون سفر ممکن نیست (ر.ک؛ رحیبانی، ۱۹۶۱، ج ۱: ۹۳۱ و بهوتی، ۱۴۰۲، ج ۲: ۵۱۴؛ برای آگاهی بیشتر از فتوای فقه‌های حنبلی، ر.ک؛ ابن قدامه، ۱۹۹۴، ج ۱: ۵۳۲ و بهوتی، ۱۹۹۶، ج ۱: ۵۹۳).

نتیجه‌گیری

بررسی و تفحص کامل در منابع اهل تسنن ما را به این نتیجه رهنمون می‌سازد که اولاً زیارت قبور، سفر برای آن، دعا و طلب حوایج نزد مقابر، مشروع و صحیح است و ادله نقلی کافی و خدشه‌ناپذیر، از قرآن، سنت و سیره صحابه این موضوع را مورد تأیید و تأکید قرار می‌دهند که عقاید ابن تیمیه، سلفی‌ها و تکفیری‌های را با چالش جدی روبه‌رو ساخته است و ضعیف و غیرمعتبر بودن ادله ادعایی آنان را به وضوح آشکار می‌سازد. ثانیاً ائمه مذاهب چهارگانه اهل سنت و نیز فقیهان و بزرگان اهل سنت از مذاهب حنفی، شافعی، مالکی و حنبلی با این گروه تندرو همداستان نبوده‌اند و حکم به جواز و استحباب زیارت قبور اولیای الهی و

مسافرت برای آن داده‌اند. بنابراین، عمل گروه‌های افراطی، مانند وهابی‌ها، سلفی‌ها و تکفیری‌ها در تخریب مقابر متبرکه پیامبران و اولیای الهی و کشتن زایران آن‌ها، فاقد مستند شرعی است و بدعت نابخشودنی و خرافات عصر حاضر محسوب می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

۱- «وَالْأَحَادِيثُ الْكَثِيرَةُ الْمَرْوِيَّةُ فِي زِيَارَةِ قَبْرِهٖ كُلُّهَا ضَعِيفَةٌ: بیشتر احادیثی که در زیارت قبور نقل شده‌اند، ضعیف هستند» (ابن تیمیه، ۲۰۰۵ م، ج ۲۷: ۱۱۹).

۲- «لَا تُشَدُّ الرَّحَالُ إِلَّا إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ: الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْمَسْجِدِ الْأَقْصَى وَمَسْجِدِي هَذَا: بار سفر بسته نمی‌شود مگر برای سه مسجد: مسجد الحرام، مسجد الاقصی و مسجد من».

۳- «وَمَعْلُومٌ أَنَّ الْأَحَادِيثَ الَّتِي فِيهَا ذِكْرُ زِيَارَةِ قَبْرِهٖ لَمْ يُخْرَجْ شَيْئًا مِنْهَا أَهْلُ الصَّحِيحِ وَلَا السُّنَنِ الْمُعْتَمَدِ عَلَيْهَا». احادیث زیارت قبور در صحیحین و مسانید گزارش نشده‌اند.

۴- «عَنْ الْعَبْدَرِيِّ الْمَالِكِيِّ أَنَّ زِيَارَتَهُ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - أَفْضَلُ مِنْ قَصْدِ الْكَعْبَةِ وَبَيْتِ الْمَقْدِسِ».

۵- «وَإِذَا فَرَغَ مِنَ الْحَجِّ اسْتَحَبَّ لَهُ زِيَارَةُ قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - وَقَبْرِ صَاحِبَيْهِ: هر گاه از حج فارغ شد، مستحب است که حاجی به زیارت قبر پیامبر (ص) برود».

منابع و مأخذ

آلوسی، نعمان بن محمود. (۱۹۸۱ م). *جلاء العینین فی محاکمة الأحمدين*. تحقیق علی السید صبح المدنی. قاهره: مطبعة المدنی.

ابن برهان، علاء‌الدین علی. (۱۹۸۱ م). *کنز العمال*. تحقیق بکری حیانی صفوة السقا. ج ۵. بیروت: مؤسسة الرسالة.

- ابن تیمیه حرّانی، احمد بن عبدالحلیم. (١٩٨٧م.). *الفتاویٰ الکبریٰ*. تحقیق عبدالقادر عطا. ج ١. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- _____ (٢٠٠٥م.). *مجموع الفتاویٰ*. تحقیق أنور الباز - عامر الجزائر. ج ٣. بیروت: دار الوفاء
- _____ (١٩٩٥م.). *مجموع الفتاویٰ*. تحقیق عبدالرحمن بن قاسم. المدینة السعودیة: مجمع الملك فهد.
- _____ (١٤١٠ق.). *زیارة القبور*. ج ١. ریاض: الإدارة العامة للطبع والترجمة.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی. (١٣٧٩). *فتح الباری شرح صحیح البخاری*. تحقیق الخطیب. قاهره - بیروت: دارالریان التراث - دارالمعرفة.
- ابن حنبل، أحمد. (٢٠٠١م.). *مسند الإمام أحمد بن حنبل*. المحقق عادل مرشد الأرناؤوط وآخرون. ج ١. بیروت: مؤسسة الرسالة.
- ابن خلکان، شمس الدین أحمد. (١٩٠٠م.). *وفیات الأعیان*. تحقیق إحسان عباس. بیروت: دار صادر.
- ابن رجب، زین الدین أبی الفرج. (١٤٢٢ق.). *فتح الباری*. تحقیق أبو معاذ طارق. ج ٢. السعودیة: دار ابن الجوزی.
- ابن عساکر، عبد الصمد بن عبد الوهاب. (بی تا). *إتحاف الزائر*. تحقیق شکرى. ج ١. بیروت: شركة دار الأرقم.
- ابن قدامة، أبو محمد موفق. (١٩٦٨م.). *المغنی*. قاهره: مکتبة القاهرة.
- _____ (٢٠٠٤م.). *عمدة الفقه*. تحقیق احمد محمد عزوز. بیروت: المکتبة العصریة.
- ابن ماجه، ابو عبدالله محمد. (١٤٣٠ق.). *سنن ابن ماجه*. تحقیق شعيب الأرناؤوط. ج ١. بیروت: دار الرسالة العالمیة.
- _____ (بی تا). *سنن ابن ماجه*. تحقیق عبدالباقی. بیروت: دار الفکر.

ابن مودود موصلي، عبدالله. (١٩٣٧م). *الاختيار لتعليق المختار*. تحقيق محمود ابودقيقه. قاهره: مطبعة الحلبي.

ابن نجار، محب الدين محمد. (بي تا). *الدرة الثمينه في أخبار المدينة*. تحقيق حسين محمد علي شكري. بيروت: شركة دار الأرقم.

ابو ريّه، محمود. (١٩٦٩م). *شيخ المضيرة ابوهريره*. ج ٣. مصر: دارالمعارف.
أبي داود، سليمان بن الأشعث. (٢٠٠٩م). *سنن أبي داود*. تحقيق شعيب الأرناؤوط قره بللي. ج ١. بيروت: دارالرساله.

_____. (بي تا). *سنن أبي داود*. تحقيق محمد محيي الدين عبدالحميد. بيروت: دار الفكر.

الأمير، محمد بن إسماعيل. (٢٠١١م). *التنوير*. تحقيق محمد إبراهيم. ج ١. رياض: دار السلام.
امين، سيد محسن. (١٣٨٧). *كشف الإرتياب (تاريخ و نقد و هابيت)*. ترجمه علي اكبر فائزي پور. قم: مطبوعات ديني.

بوطي، محمد سعيد رمضان. (١٣٨٩). *سلفيه؛ بدعت يا مذهب*. ترجمه حسين صابري. مشهد: بنياد پژوهش های اسلامي.

بهوتي، منصور بن يونس. (١٤٠٢ق). *كشف القناع عن متن الإقناع*. تحقيق مصطفى هلال. بيروت: دار الفكر.

بيهقي، ابوبكر أحمد. (١٣٤٤ق). *السنن الكبرى وفي ذيله الجوهر النقي*. ج ١. حيدرآباد: مجلس دائرة المعارف النظامية الكائنة في الهند.

_____. (١٤١٠ق). *شعب الإيمان*. تحقيق بسيوني زغلول. ج ١. بيروت: دار الكتب العلمية.

حاكم، أبو عبدالله. (١٩٩٠م). *المستدرک على الصحيحين*. تحقيق عبدالقادر عطاء. ج ١. بيروت: دار الكتب.

حصيني، حسن بن علي الهاشمي. (١٩٩٥م). *صحيح شرح العقيدة الطحاوية*. ج ١. اردن: دار الإمام النووي.

- خطاب الرُّعيني، شمس الدين محمد. (٢٠٠٣م). *مواهب الجليل لشرح مختصر خليل*. تحقيق زكريا عميرات. رياض: دار عالم الكتب.
- دارقطني، علي بن عمر. (١٩٦٦م). *سنن الدارقطني*. تحقيق سيد عبدالله هاشم يمانى المدنى. بيروت: دار المعرفة.
- دمياطى، أبى بكر بن السيد محمد. (بى تا). *حاشية إعانة الطالبين على حل ألفاظ*. بيروت: دار الفكر.
- ذهبي، أبو عبدالله محمد. (١٩٩٣م). *سير أعلام النبلاء*. ج ٩. بيروت: مؤسسة الرسالة.
- _____ . (١٩٨٥م). *سير أعلام النبلاء*. تحقيق شعيب الأرنؤوط. بيروت: مؤسسة الرسالة.
- سبحانى، جعفر. (١٣٨٨). *آبين وهابيت*. تهران: نشر مشعر.
- سبكي، علي بن عبدالكافي. (١٩٨٢م). *شفاء السقام*. ج ٣. حيدرآباد: دائرة المعارف العثمانى.
- سفاريني، شمس الدين. (١٩٨٢م). *لوامع الأنوار البهية*. ج ٢. دمشق: مؤسسة الخافقين.
- سمهودى، علي بن عبدالله. (١٤١٩ق). *وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفى*. ج ١. بيروت: دار الكتب العلمية.
- سندى، محمد بن عبدالهادى. (بى تا). *حاشية السندى على سنن ابن ماجه*. بيروت: دار الجليل.
- شوكانى، محمد بن علي. (١٩٩٣م). *نيل الأوطار*. تحقيق صباطى. ج ١. مصر: دار الحديث.
- طبرانى، سليمان بن أحمد. (١٩٨٣م). *المعجم الكبير*. تحقيق حمدى. ج ٢. الموصل: مكتبة العلوم والحكم.
- عبدرى، محمد بن يوسف. (١٣٩٨ق). *التاج والإكليل لمختصر خليل*. بيروت: دار الفكر.
- غزالى، محمد بن محمد. (١٤١٧ق). *الوسيط فى المذهب*. تحقيق أحمد محمود. قاهره: دار السلام.
- فرمانيان، مهدى و مجتبى صداقت. (١٣٩٢). «زيارت قبور و دلائل عالمان شيعه بر مشروعيت آن». *شيعه شناسى*. ش ٤١. صص ١٤١-١٦٦.
- قاضى عياض، ابوالفضل. (١٩٨٨م). *الشفاء بتعريف حقوق المصطفى*. بيروت: دار الفكر.

قرافي، أحمد بن إدريس. (۱۹۹۴م). *الذخيرة*. تحقيق محمد حجي. بيروت: دار الغرب.
القرطبي، يوسف بن عبدالله. (۱۳۸۷ق). *التمهيد لبنا في الموطأ*. تحقيق مصطفى بن أحمد و
محمد عبدالكبير البكري. مغرب: وزارة عموم الأوقاف.

_____ . (بي تا). *الإنشاء في فضائل الثلاثة الأئمة الفقهاء الأمام*. بيروت:
دارالكتب العلمية.

كوكب عبيد، الحاجة. (۱۹۸۶م). *فقه العبادات على المذهب المالكي*. ج ۱. دمشق: مطبعة
الإشياء.

مبارك فوري، عبيدالله بن محمد. (۱۹۸۴م). *مرعاة المفاتيح*. ج ۳. هند: إدارة البحوث العلمية.

نووي، يحيى بن شرف. (۱۴۰۵ق). *روضة الطالبين وعمدة المفتين*. بيروت: المكتب الإسلامي.

_____ . (بي تا). *المجموع شرح المهذب*. بيروت: دار الفكر.

نيسابوري، مسلم بن حجاج. (بي تا). *المسند الصحيح*. تحقيق محمد فؤاد عبدالباقي. بيروت: دار
احياء التراث العربي.

پرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی